

به یاد «راشل کوری»، که در دفاع از فلسطین به دست اسرائیلی‌ها کشته شد

# دختری آمریکایی در مقابل بولدوزر اسرائیلی

**الهام یوسفی**– همه آدم‌ها برای زندگی خود به دنبال معنا می‌گردند. زندگی، بدون معنایی که بتواند ما را به سوی هدفی ارزشمند حرکت دهد، پوچ، تهی و یاس‌آور است. زیاد فرقی هم ندارد که در کجای این جهان بزرگ متولد شده‌ایم و در دامن کدام فرهنگ زیسته‌ایم. کافی است چشم باز کنیم تا در دهایی که گریبان بخش بزرگی از آدم‌های دنیا را گرفته است ببینیم و آن وقت معنای زندگی تعداد زیادی‌مان بشود مرهم گذاشتن بر آن دردها در حد وسع و توان خودمان؛ معنای زندگی‌مان بشود بهتر کردن حال جهان برای زندگی آرام‌تر. همان معنایی که «راشل کوری» دختر بیست و سه ساله آمریکایی را از واشنگتن به یکی از ناامن‌ترین و آسیب‌دیده‌ترین نقاط جهان می‌کشاند؛ فلسطین! و او را به شکلی بی‌رحمانه در راه آرمان بزرگش که همانا تلاش برای حرکت به سوی صلح جهانی بود، توسط بولدوزرهای اسرائیلی‌های اشغالگر، به کام مرگ می‌فرستد. این روزها که اخبار از تصمیمات اخیر دولت آمریکا و نقشه جدیدش برای انتقال پایتخت رژیم صهیونیستی به بیت‌المقدس خبر می‌دهد، پرونده امروز «زندگی‌سلام» و مرور زندگی «راشل کوری»، جوان آزادی‌خواه آمریکایی و داستان غم‌انگیز و بی‌نهایت انسانی‌اش به یادمان می‌آورد که هدف رژیم اشغالگر قدس و دولت آمریکا نه فقط اسلام‌ستیزی، بلکه انسان‌ستیزی است.



که در این مدت با هم آشنا شده بودند، جلوگیری کند. اما بولدوزر اسرائیلی با عبور از روی راشل، جمجمه او را شکست، دنده‌هایش را خرد و ریه‌هایش را سوراخ کرد. اما گویی این کافی نبوده؛ راننده بدون آن که تیغه بولدوزر را بالا ببرد، دنده عقب گرفت و برای بار دوم از روی بدن راشل رد شد. «آلن ریگمن» بازیگر انگلیسی و برنده جوایز امی و گلدن گلوب و «کاترین ریگمن» نمایش نامه‌نویس، نمایش نامه‌ای با عنوان «من راشل کوری هستم» را بر اساس خاطرات و نوشته‌های راشل نوشته اند. این نمایش نامه جنجال زیادی در آمریکا و اروپا به‌راه انداخت و با این‌که در کشورهای زیادی اجرا شد، برای اجرا در ایالات متحده بارها با ممانعت دولت مواجه شد. این اثر را «حسین درخشان» ترجمه کرده و توسط انتشارات «نشر نی» در مجموعه نمایش نامه‌های «دور تا دور دنیا» منتشر شده است.

عضویت جنبش اتحاد جهانی ISM (International Solidarity Movement) از تشکل‌های حامی مردم فلسطین درآمد و در طول انتفاضه الاقصی، به عنوان یکی از فعالان این جنبش به نوار غزه رفت. پس از حضور در غزه، دوره آموزش دو روزه مقاومت غیر خشونت آمیز و سپر انسانی را گذراند. کمتر از دو ماه بعد، یعنی ۱۶ مارس ۲۰۰۳ راشل که کارور نارنجی فلورسنت به تن داشت تا به راحتی دیده شود، سر راه بولدوزر ارتش رژیم صهیونیستی ایستاد تا از تخریب خانه یک داروساز فلسطینی به نام «سمیر نصرا…»



مروری بر سرگذشت تاثیر گذار راشل کوری

## یک شهروند آمریکایی، با خون فلسطینی

راشل آلین کوری (Rachel Aliene Corrie) در ۱۰ آوریل ۱۹۷۹ در واشنگتن آمریکا به دنیا آمد، زندگی کرد و از همان جا فعالیت‌های صلح‌آمیزش را آغاز کرد. راشل، وقتی از دبیرستان کپیتال فارغ التحصیل و برای ادامه تحصیلاتش وارد دانشگاه «اور گرین استیت» شد، به دلیل وغدغه‌هایی که در حوزه صلح جهانی داشت، در ابتدای ورود به

بخش‌هایی از آخرین نامه‌ای که راشل از فلسطین، برای مادرش نوشت

## شاهد یک نسل کشی تاریخی و حيله گرانه هستم

۲۷ فوریه ۲۰۰۳
مامان! دوست دارم. دلم واقعا برایت تنگ شده است. شب ها کابوس‌های وحشتناکی می‌بینم، تانک‌ها و بولدوزرها را می بینم که دور خانه را گرفته‌اند و من و تو هم داخل خانه هستیم. در چند هفته اخیر، غروب ها یا در طول شب، مدام چنین شرایطی را در ذهنم مرور می‌کنم.

■ **اگر من و تو هم بودیم، می‌جنگیدیم...**

من خیلی روی حرف هایی که تو پشت تلفن گفتی، درباره این که خشونت‌های فلسطینی‌ها کمکی به حل قضیه نمی‌کند، فکر کردم. دو سال قبل شش هزار نفر از اهالی رفح در اسرائیل کار می‌کردند، این کارگران، امروز فقط ششصد نفرند. و از این ششصد نفر هم، بسیاری‌شان از این جا رفته‌اند...

نگاهی به واکنش جهانیان به کشته شدن راشل کوری

## وقتی مرگ، آغاز زندگی است ...

شاید آن زمان که بولدوزر اسرائیلی بی هیچ واهمه‌ای جلو می‌آمد تا آزادی‌خواهی و صلح طلبی را زیر تیغه بزرگ خود نابود کند، فکر نمی‌کرد این مرگ، یک مرگ ساده نیست و تا سال‌های طولانی، می‌تواند الهام‌بخش حرکت‌های انسانی بسیاری باشد. درست از همان روزی که راشل کشته شد، با همه تلاش جهانی برای پنهان کردن این فاجعه، پدر، مادر و دوستان آزادی‌خواه راشل در سراسر جهان آرمان او را فریاد زدند. اگر چه قاتلان این دختر آمریکایی در هیچ دادگاهی محکوم نشدند.

■ **بیانیه جنبش همبستگی بین‌المللی**

بلافاصله بعد از کشته شدن راشل، دوستان وهمقطاران او در جنبش همبستگی بین‌المللی بیانیه‌ای صادر کردند و در آن جنایت اتفاق افتاده را شرح دادند و به گوش جهان رساندند.

■ **بیانیه کریگ و سینی دی کوری، پدر و مادر راشل**

خانواده راشل هم پس از شهادتش، بیانیه تاثیرگذاری نوشتند: «ما اکنون در حال سوگواری هستیم و تلاش می‌کنیم جزئیات مربوط به مرگ راشل در نوار غزه را به دست بیاوریم. ما فرزندان مان را طوری پرورش دادیم که زیبایی‌های جامعه جهانی و خانواده را پاس بدارند و افتخار می‌کنیم که راشل توانست بر اساس باورهایش زندگی کند. او سرشار از عشق و احساس وظیفه نسبت به همنوگانش در همه جای جهان بود...»

ZENDEGI - SALAM

ضمیمه روزانه روزنامه خراسان

پنج‌شنبه ۲۳ آذر ۱۳۹۶

۲۵ ربیع الاول ۱۴۳۹ • ۱۳ دسامبر ۲۰۱۷

۹۳۹

گزارش لحظه به لحظه ماجرای اقدام شجاعانه راشل از زبان یک شاهد عینی

## کمر آزادی، زیر بولدوزرهای اسرائیلی شکست!

حدود ۱۴ سال از مرگ تلخ راشل می گذرد؛ اما مگر از یاد می رود چنین رشادت‌؟ در زمین‌های نزدیک مرز فلسطین و مصر که آن را رفح می نامند، همه راشل را می شناسند. دخترک موبوری که همه‌او را با مقاومت به یاد می آورند. همه‌از او تصویری به خون کشیده شده توسط رژیم اشغالگر در ذهن دارند و با عکسی که با قفیه به عنوان نماد مقاومت و مبارزه علیه استکبار گرفته است، مگر می شود او را فلسطینی ندانست؟ مطالبی که می‌خوانید، دیده‌های یکی از دوستان و هم‌گروهی‌های راشل و از اعضای جنبش همبستگی بین‌المللی به اسم «ژوزف اسمیت» است که آن روزها، ۲۱ ساله بوده. ژوزف هم مثل راشل. آمریکایی و اهل ایالت میسوری و یکی از کسانی است که روز ۱۶ مارس ۲۰۰۳، شاهد دفاع و ایستادگی و ایثار راشل بود.

**روز یک‌شنبه ۱۶ مارس ۲۰۰۳**

**ساعت ۱۱ تا ۱۳**

ما به دو گروه تقسیم شده بودیم. گروهی را که سپر انسانی برای محافظت از کارگران چاه آب بودند، به تل سلطان فرستاده بودیم و گروه دوم، مراقبت از کارگران برق حی‌السلام را برعهده داشتند. این دو منطقه به دلیل نزدیکی به مرز از هیچ امنیتی برخوردار نیست، زیرا تانک‌های گشتی اسرائیل به محض رویت فلسطینی‌ها، حتی کارگران غیر نظامی و کودکان در حال بازی را به گلوله می‌پندند.

**ساعت ۱۳ تا ۱۳:۳۰**

دوستانم در حی‌السلام متوجه عبور دو بولدوزر و یک تانک ارتش اسرائیل از مرز و تعرض به منطقه غیر نظامی فلسطین شدند. آنان به سمت مزارع و بناهای آسیب‌دیده رفتند و شروع به تخریب کردند. خانه‌های نزدیک مرز به‌شدت در معرض تهدید و خطر بودند، برای همین سه تن از اعضای جنبش روی بام خانه‌ای ایستادند و دوستان دیگرشان را فرخواندند.

**ساعت ۱۳:۳۰ تا ۱۴:۱۵**

من و یکی از دوستانم به سمت خانه دودیدیم. بولدوزرها از پیشروی به سوی خانه‌ای که بر بامش ایستاده بودیم دست کشیدند. برای اختلال در عملیات بولدوزرها به‌آرامی به سویشان رفتیم و در میدان دیدشان نشستیم. بعد روی بام خانه نیمه‌مخروبه‌ای که در معرض تهدید بود، ایستادیم. بولدوزر قصد تخریب خانه نیمه‌مخروبه‌ای را داشت؛ دوست اسکاتلندی‌ام کنار خانه جست‌وخیز می‌کرد تا مانع تخریب آن جا شود. راشل و دو همقطار دیگرمان که در کنار چاه آب مراقبت می‌کردند، با یک پلاکارد و بلندگو به ما پیوستند. راشل و آن اسکاتلندی کت‌های نارنجی‌رنگ برای راه راه به تن داشتند.

**ساعت ۱۴ تا ۱۵:۱۵**

بولدوزر تقلا می‌کرد تا آن خانه نیمه مخروبه را فرو ببرد و ما همچنان سد راهش بودیم. ناگهان یک ستون بتونی کنار دوست اسکاتلندی‌مان فرو ریخت که خوشبختانه آسیبی به او نرسید. از ترس آن که مبدا اسرائیلی‌ها در خانه پشت این بنای نیمه‌مخروبه را هدف بگیرند یک نفر را روی بام خانه‌ها مستقر کردم و خودم هم بر بام نزدیک ترین خانه ایستادم. بولدوزر دیگر می‌خواست گیاهان مز‌عه‌ها را نابود کند که راشل و دو نفر دیگر سد راهش شدند. راننده برای ترساندن راشل و هم‌راهانش به پیشروی ادامه داد و حتی شروع به شکافتن زمین کرد. بعد از ۱۰ دقیقه، بولدوزرها به سمت مرز عقب نشستند و کنار تانک‌های اسرائیلی، رو به خانه‌ها موضع گرفتند. من روی بام ایستاده بودم. بقیه همقطارم در حالی که پلاکارد «جنبش همبستگی بین‌المللی» را بالای سر داشتند، در مقابل تجهیزات ارتش جمع شدند و راشل با بلندگو با آن‌ها شروع به صحبت کرد. از دهان سربازان تانک، حرف‌های رکیک بیرون می‌آمد و از ما می‌خواستند که برویم رد کارمان. چند تیر هشدار به زمین شلیک کردند و گاز اشک آور انداختند که با وزش باد به سمت شرق پراکنده شد. راشل همچنان داشت با بلندگو با سربازان صحبت می‌کرد.

**ساعت ۱۶ تا ۱۶:۴۵**

روی ساختمان‌های مخروبه رفتیم تا نگذاریم بولدوزرها به زمین‌های فلسطینی‌ها آسیب برسانند. رانندگان بولدوزرها فحش می‌دادند، می‌خندیدند و شکلک در می‌آوردند.

**ساعت ۱۶:۴۵ تا ۱۷:۱۵**

یکی از اهالی رفح، پزشکی بود که راشل و دیگر دوستان ما به‌طور معمول در خانه او اقامت می‌کردند. بولدوزری به سمت خانه او آمد. راشل سر را نشسته بود. از روی بلندی به خوبی می‌توانستیم دوروبرمان را ببینیم. راشل در فاصله حدود ۱۵متری بولدوزر روی زمین نشسته بود و در این اثنا مثل بقیه همقطاران مان، شروع به جنب و جوش و فریاد کرد. بولدوزر همچنان جلو می‌آمد و در نزدیکی راشل خاک را زیرورو می‌کرد. تلی از خاک که با پیل بولدوزر کنده شده بود شکل گرفت. اگر همان جا ترمز کرده بود شاید در نهایت پاهایش می‌شکست. اما بولدوزر با پیشروی خود، راشل را به زیر کشید. به طرف بولدوزر دودیدیم. داد و فریاد راه انداختیم. یکی از دوستان با بلندگو فریاد می‌کشید؛ اما راننده بی‌اعتنا به داد و قال ما، به پیش راند و راشل را کاملاً زیر گرفت. سپس بدون آن که پیل را بلند کند، دنده عقب گرفت و همین‌طور که به خط مرزی باز می‌گشت، راشل را خردوخیز کرد. سه نفر به طرف راشل دویدند و بی‌درنگ کمک‌های اولیه را شروع کردند. بدنش آتش و لاش، صورتش خونین و پوستش کبود شده بود. با صدای ضعیف و حلقومی گفت: «کمرم شکست!» دیگر از او چیزی نشنیدیم. او را به پهلوی خواباندیم تا در صورت استفرغ یا خونریزی، خفه نشود.

**ساعت ۱۷:۱۵ تا ۱۷:۱۵**

آمبولانس رسید. امدادگران با به خطر انداختن جان شان از آمبولانس بیرون آمدند و برای انتقال راشل دوان دوان به نوار مرزی رفتند. ما هم با تشکیل سپر انسانی نگذاشتیم تیراندازان تانک به امدادگران آسیب برسانند؛ قیلا بارها مرتکب این عمل شده بودیم. از بولدوزرها عکس گرفتیم، اما تصویربرداری از راننده به سبب شیشه‌های دودی اتاقک بولدوزر ممکن نشد. راشل را به آمبولانس رساندند. چشمانش باز بود و هنوز نفس می‌کشید. اما آثار درد شدید از سیمایش پیدا بود. چهار همقطارم راشل را تا بیمارستان «التجار» همراهی کردند.

**ساعت ۱۷:۱۵ تا ۲۰:۲۰**

جسد راشل را که با یک ملاقه سفید پوشانده شده بود از اوزانس خارج و مرگ او را به همه اعلام کردند...

منبع: ماهنامه سوره، شماره ۲۷



شهادی فلسطینی، آن‌را در استان پخش کرد. فعالان رفح یک کنفرانس خبری در استانداری تشکیل دادند و «مجد آغا» استاندار، گفت: «سنرگزهره های رفح با خون راشل آمیخته شده‌اند و خانه‌های آن، یاد این خام‌فداکار را در خاطر خود حفظ خواهد کرد. کوری نمونه یک حامی صلح و حقوق بشر بود.»

■ **واکنش سازمان‌های جهانی**

همه سازمان‌های مدنی فلسطین و فعالان حقوق بشر، جنبش فتح، کمیته بین‌المللی صلیب سرخ و ده‌ها سازمان دیگر در سرتاسر دنیا این اتفاق را محکوم کردند. «اسماعیل هنیه» رهبر «جنبش حماس» هم واکنش نشان داد و گفت: «اگر این فعال صلح حتی اشتباهی توسط فلسطینیان کشته می‌شد، دولتمردان آمریکایی عکس العمل متفاوتی داشتند.» تظاهرات متعددی به خصوص در فلسطین برپا شد. در ایران هم تصویب شد خیابانی به نام این دختر آمریکایی نام‌گذاری شود.